

Scientific Paper

Analysis of Economic and Social Factors Affecting the Political Participation of Rural People in Guilan Province of Iran

M. Fakoori ¹, R. Esfanjari Kenari ²

Received: 28 October, 2024

Accepted: 24 November, 2024

Introduction: Increasing political participation is the concern of every political system, and identifying factors influencing the increase in participation is one of the most important strategies for managing and enhancing people's participation in elections. Political participation is considered as one of the major indicators of development. Rural people can have a decisive role in the administration of the country with their political participation. This study aimed at investigating the factors affecting the political participation of the rural people in the society.

Materials and Methods: The research was conducted in a survey method and its statistical population included all the residents of Upper Bijarbaneh, Lower Bijarbaneh and Nakhjir-Kalayeh villages. The sample size was calculated 348 people based on Cochran's formula. In addition, the impacts of variables such as gender, age, income, membership and activity in political institutions and organizations, marital status, employment status, parents' education levels, and the amount of following the events through the national media (IRIB) on the political participation of the rural people were measured.

Results and Discussion: The study results showed that the level of political participation of rural people was relatively low; and among the studied variables, the age, membership in political institutions and organizations, marital status, employment status, parents' education levels and following the events through the

1. BA Student in Agricultural Economics, Faculty of Agricultural Sciences, Guilan University, Rasht, Iran.

2. Corresponding Author and Assistant Professor, Department of Agricultural Economics, Faculty of Agricultural Sciences, Guilan University, Rasht, Iran (Rezasfk@gmail.com).

IRIB were the most important variables and had significantly positive effects on the political participation.

Conclusion and Suggestions: According to the study results, the low level of political participation of rural people is a warning for Iran's political future, and the rural youth's despair about their future employment will cause their low political participation. Therefore, if serious efforts are not made to solve this problem, it will cause a gap between the government and the nation in the coming years.

Keywords: *Economic and Social Factors, Political Participation, Guilan Province, Mann-Whitney Test.*

JEL Classification: A1, D1, H5, I00

اقتصاد کشاورزی و روستایی

سال ۲، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان استان گیلان

محمد فکوری^۱، رضا اسفنجاری کناری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

چکیده

با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی به مثابه یکی از مسائل اساسی هر نظام سیاسی، شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش این مشارکت از کلیدی‌ترین راهکارها برای مدیریت و تشویق مردم به حضور فعال در انتخابات به‌شمار می‌رود. از این‌رو، مشارکت سیاسی از شاخص‌های عمده توسعه تلقی می‌شود و روستاییان با مشارکت سیاسی خود می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در اداره کشور داشته باشند. با این رویکرد، در مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از روش پیمایشی، به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان استان گیلان پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان روستاهای بیجارینه بالا، بیجارینه پایین و نخجیرکلایه استان گیلان بود و حجم نمونه بر اساس رابطه کوکران ۳۴۸ نفر تعیین شد. اطلاعات متغیرهای پژوهش شامل جنسیت، سن، میزان درآمد، عضویت و فعالیت در نهادها و تشکلهای سیاسی، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات فرد

۱- دانشجوی کارشناسی اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲- نویسنده مسئول و استادیار اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Rezasfk@gmail.com)

و والدین، میزان پیگیری اخبار از رسانه ملی (صدا و سیما) و مشارکت سیاسی به شیوه پیمایشی و از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که به‌طور کلی، سطح مشارکت سیاسی روستاییان به نسبت پایین است؛ افزون بر این، متغیرهای سن، عضویت در نهادها و تشکل‌های سیاسی، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات والدین و پیگیری اخبار از صدا و سیما بر مشارکت سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته‌اند. با توجه به نتایج مطالعه، سطح پایین مشارکت سیاسی روستاییان زنگ خطری برای آینده سیاسی کشور بوده و ناامیدی جوانان روستایی از آینده شغلی موجب مشارکت سیاسی پایین آنها خواهد شد؛ و در صورت عدم رفع این معضل در سال‌های آتی، به شکاف جدی میان دولت و ملت خواهد انجامید.

کلیدواژه‌ها: عوامل اقتصادی و اجتماعی، مشارکت سیاسی، استان گیلان، آزمون من‌ویتنی.

طبقه‌بندی JEL : A1, D1, H5, I00

مقدمه

مبحث مشارکت سیاسی به‌ویژه در شرایط کنونی جامعه ایران، که نیاز به مشارکت‌های اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و علمی روز به روز افزایش می‌یابد، از اهمیت ویژه برخوردار است. این موضوع، همچنین، به ارتباط میان توسعه سیاسی و پیشرفت اقتصادی اشاره دارد، که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (Tamizkar Mostaghim & Abbasi, 2015). از این‌رو، پرداختن به مقوله مشارکت سیاسی می‌تواند روشنگر یکی از ابعاد توسعه‌یافتگی باشد. موضوع مشارکت به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در عرصه توسعه شناخته می‌شود. کارشناسان و صاحب‌نظران این حوزه، پس از سال‌ها تجربه در اجرای برنامه‌های توسعه، بدین نتیجه رسیده‌اند که جلب مشارکت مردم در تمامی مراحل توسعه، از تصمیم‌گیری تا اجرا، یکی از مؤثرترین و بهترین راه‌ها برای دستیابی به توسعه واقعی و پایدار است. این رویکرد نه تنها اقتصادی‌ترین روش به‌شمار می‌آید، بلکه به پایداری فرآیند توسعه نیز کمک می‌کند. از لحاظ تاریخی، در ایران، مشارکت در امور مختلف در شهرها و روستاها، صرف‌نظر از بعد سیاسی، به‌طور نسبی وجود داشته است. برای نمونه، در جوامع روستایی، می‌توان به رسم بیل‌زنی دسته‌جمعی، کمک به یکدیگر در درو کردن گندم، تأمین امنیت محصولات، سنت چرخ‌ریسان، برگزاری مراسم بنه و همچنین، مناسبت‌های مذهبی اشاره کرد (Vosoughi & Hashemi, 2004).

مشارکت سیاسی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های بارز جامعه مدنی است؛ به‌طور کلی، مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را به فعلیت می‌رساند. مشارکت سیاسی نمایانگر الگویی خاص از رفتار سیاسی است که بر پایه مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، ایستارها، هنجارها و آداب و رسوم هر جامعه نسبت به مسائل سیاسی شکل

می‌گیرد. هانتینگتون^۱ و نلسون^۲ مشارکت سیاسی را تلاش شهروندان غیردولتی برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی می‌دانند. مک‌کلاسکی^۳ مشارکت سیاسی را کنش‌های داوطلبانه می‌داند که از این رهگذر، اعضای جامعه در انتخاب حاکمان و شکل‌دهی به سیاست‌های عمومی سهیم می‌شوند. وینر^۴ نیز مشارکت سیاسی را شامل هر نوع عمل داوطلبانه، چه سازمان‌یافته و چه غیرسازمان‌یافته، برای تأثیر بر انتخاب رهبران و اداره امور عمومی می‌داند. به‌طور کلی، مشارکت سیاسی به فعالیت‌های آزادانه و داوطلبانه اعضای جامعه در امور حکومتی و سیاسی اطلاق می‌شود که هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی است و ممکن است به تغییر وضعیت موجود منجر شود (Emamjomezade et al., 2011).

در بررسی موضوع، باید اشاره کرد که جامعه ایران، به‌ویژه در صد سال اخیر، تحولاتی عمده را تجربه کرده است، که می‌توان آن را نتیجه ورود به مرحله نوگرایی (مدرنیسم) دانست. هم‌زمان با افزایش درگیری جامعه با پیامدهای نوگرایی، برخی مفاهیم و دستاوردهای آن، از جمله انتخابات آزاد، قانون اساسی و حکومت قانون، به عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانیان وارد شده‌اند. این تحولات به‌نوعی به ریشه‌های دیرینه حکومت‌های مطلقه و استبدادی شرقی بازمی‌گردد. بنابراین، موضوع مشارکت سیاسی از مسائل کلیدی در جامعه ایران به‌شمار می‌آید (Vosoughi & Hashemi, 2004).

در متون جدید توسعه، مشارکت مردم در انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان یک شاخص کلیدی در توسعه اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. این انجمن‌ها می‌توانند به افراد آموزش دهند که با مشارکت در تعیین سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های جمعی، به شکل‌گیری علایق جمعی و ملی کمک کنند. رشد ناقص نهادهای اجتماعی و داوطلبانه می‌تواند مانع از ایجاد مفاهیم «شهروند فعال» و «فضای عمومی» شود، و در نتیجه، چه‌بسا هویت اجتماعی مبتنی بر علایق عمومی اصولاً شکل نگیرد. این موضوع در جوامع جهان سوم به‌ویژه در شرایط فشارهای جهانی و تمایلات خاص محلی بسیار مهم است. در چنین جوامعی که مشارکت گروهی کاهش یافته، نوسازی اجتماعی با کاهش مشارکت سیاسی همراه است و افراد احساس انزوا و بی‌قدرتی بیشتری می‌کنند (Hajibabaei & Rezaei, 2022). در ادامه، به بررسی پیشینه پژوهش‌های عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی اشاره می‌شود.

نسبیت - لارکینگ (Nesbitt-Larking, 2010) به بررسی تأثیر رسانه‌ها بر رفتار انتخاباتی در کانادا و مقایسه آن با ایالات متحده پرداختند. نتایج این پژوهش بیانگر وجوه تمایز عمده بین ایالات متحده

1. Huntington
2. Nelson
3. McCluskey
4. Weiner

و کانادا در مورد تبلیغات انتخاباتی در رسانه‌های این دو کشور بود و نشان می‌داد که این تفاوت در تبلیغات رسانه‌ها گویای فرهنگ سیاسی متفاوت دو کشور است. نتایج تحقیق برودول (Broadwell, 2006)، با عنوان «مشارکت سیاسی»، نشان داد که دلسردی از نتایج انتخابات، نظام تک‌حزبی، تردید در اثرگذاری نتیجه انتخابات، منفعت‌های شخصی، نیازهای روان‌شناختی و هدف‌های شخصی از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی به حساب می‌آیند. بک و جنینگز (Beck & Jennings, 1982) به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر مشارکت سیاسی نوجوانان آمریکایی بین سال‌های ۷۳-۱۹۶۵ پرداختند و نتایج نشان داد که عواملی چون پایگاه اجتماعی-اقتصادی والدین، مشارکت سیاسی والدین، فعالیت جوانان در دبیرستان و گرایش‌های مدنی والدین بر مشارکت سیاسی نوجوانان تأثیر داشته‌اند.

بررسی متون مختلف نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر، موضوع مشارکت سیاسی در روستاها، به دلیل پدید آمدن گروه‌های جدید روستایی که از تحصیلات بالاتر و نیز از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیشتری برخوردارند، ابعادی تازه‌تر یافته است. افزون بر این، سن، وضعیت مالی، سطح تحصیلات، نوع شغل، ارتباط با شهر و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی از آن دست عوامل اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌روند که می‌توانند بر مشارکت سیاسی روستاییان تأثیرگذار باشند. البته، گرچه این عوامل از دیرباز نیز در ساختار جامعه روستایی وجود داشته‌اند، اما به دلیل ورود عناصر جدید، برخی از آنها تغییراتی را تجربه کرده‌اند.

با این رویکرد، مطالعه حاضر به بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان در استان گیلان (شامل سه روستای بیجاربنه بالا، بیجاربنه پایین و نخجیر کلاهی) می‌پردازد؛ و در پی پاسخ‌گویی بدین سؤالات است که «آیا در میزان مشارکت سیاسی در میان زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟»، «آیا افراد مسن به‌طور کلی بیشتر از جوانان در مشارکت سیاسی فعال هستند؟»، «آیا سطح درآمد روستاییان بر میزان مشارکت سیاسی آنها اثر می‌گذارد؟»، «عضویت روستاییان در نهادهای دولتی و حکومتی به چه میزان بر مشارکت سیاسی آنها تأثیرگذار است؟»، «آیا در میزان مشارکت سیاسی بین افراد شاغل و بیکار تفاوت وجود دارد؟»، «میزان مشارکت سیاسی در میان شاغلان دولت و شاغلان بخش خصوصی چگونه است؟»، «آیا میان پیروی از اخبار رسانه‌های داخلی و خارجی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای وجود دارد؟» و سرانجام، «آیا بین سطح تحصیلات والدین و سطح مشارکت ارتباط وجود دارد؟».

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به شیوه پیمایشی انجام شده و ابزار اصلی آن پرسشنامه است. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری و استنباطی استفاده شده است. جامعه آماری مطالعه شامل تمامی ساکنان سه روستای بیجاربنه بالا، بیجاربنه پایین و نخجیرکلایه بوده و حجم آن بر اساس سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۷۳۷ نفر مشخص شده است. به منظور تعیین حجم نمونه، از رابطه کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای پنج درصد استفاده شده که بر این اساس، حجم نمونه آماری ۳۴۸ نفر تعیین شده است. پس از بررسی اولیه پرسشنامه‌ها، ۲۵ پرسشنامه ناقص از تحلیل نهایی حذف شدند و در نهایت، ۳۲۳ پرسشنامه مناسب برای پردازش داده‌ها باقی ماند. نمونه‌گیری درون روستاها به صورت تصادفی انجام گرفت و تلاش شد تا حجم نمونه به صورت متناسب از بین گروه‌های مختلف پاسخ‌دهندگان با توجه به جنس، سن و وضعیت اجتماعی-اقتصادی انتخاب شود. سرانجام، به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، از نرم‌افزارهای اکسل و SPSS استفاده شده است.

نحوه سنجش متغیرها

۱- مشارکت سیاسی

به باور میلبراث (Milbrath, 1983)، مشارکت سیاسی فعالیت آزادانه و فوق ارادی شهروندان است که در راستای اثرگذاری بر سیاست و حکومت صورت می‌گیرد و طیفی متنوع از درگیر نشدن در سیاست تا تلاش و رقابت برای کسب مناصب سیاسی را دربرمی‌گیرد. از دیدگاه پناهی (Panahi, 2007) نیز مشارکت سیاسی عبارت است از هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه در ارتباط با احراز صلاحیت، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای سمت‌های سیاسی جامعه و در نتیجه، اثرگذاری در شکل‌گیری و برنامه‌های عمومی و در نهادها و نظام سیاسی جامعه. همچنین، میلبراث مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و کنش‌های شهروندان برای اعمال نفوذ در حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در مشارکت سیاسی شامل اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (Vosoughi & Hashemi, 2004). مشارکت سیاسی، در تعریف مفهومی بر اساس تعریف میلبراث، به آن دسته از کنش‌های شهروندان گفته می‌شود که بر سیاست و حکومت تأثیر می‌گذارند یا از آنها پشتیبانی می‌کنند (Van Deth, 2003). مشارکت سیاسی ابعاد گوناگون دارد که از آن میان، می‌توان به ابعاد عینی، رسمی و غیررسمی مشارکت اشاره کرد. بعد رسمی مشارکت به معنی هر نوع کنش داوطلبانه است که اعضای جامعه با هدف حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چارچوب‌های مشخص و نهادینه شده انجام می‌دهند. این نوع

مشارکت به‌طور رسمی و با برنامه‌ریزی از سوی سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد؛ و نمونه‌های آن شامل شرکت در انتخابات، حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌های سیاسی و فعالیت‌های مشابه است (Emamjomezade et al., 2011).

بعد عینی مشارکت به معنی درگیر شدن در فعالیت‌هایی است که به‌عنوان مشارکت سیاسی شناخته می‌شوند و در قالب‌های مختلف مانند عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری تجلی می‌یابند. نمونه‌هایی از این نوع مشارکت شامل شرکت در جلسات عمومی، رأی‌گیری، حضور در انتخابات و فعالیت در احزاب و گروه‌هاست. در این خصوص، می‌توان از دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی برای ارزیابی مشارکت جوانان استفاده کرد (Emamjomezade et al., 2011).

در نهایت، مشارکت غیررسمی به هر نوع کنش داوطلبانه اشاره دارد که اعضای جامعه به‌منظور حمایت از نظام و جریان‌های سیاسی یا تأثیرگذاری بر آنها انجام می‌دهند و خارج از چارچوب‌های معین و رسمی نهادها و سازمان‌ها صورت می‌گیرد. این نوع مشارکت شامل هر نوع فعالیت سیاسی است که در تعاملات بین افراد و در ارتباط با حکومت انجام می‌شود و یک ساختار و برنامه‌ریزی مشخص ندارد؛ نمونه‌هایی از این اقدامات عبارت‌اند از: شرکت در تظاهرات، نوشتن نامه‌ها، نظرسنجی از افراد، امضای طومارها، مشارکت در فعالیت‌های برخط و فعالیت‌های مشابه (Emamjomezade et al., 2011). با توجه به توضیحات پیرامون ابعاد مختلف مشارکت سیاسی و آشنایی با آنها، در پژوهش حاضر، بر بعد رسمی مشارکت سیاسی تمرکز شده است. از این‌رو، متغیر وابسته تحقیق به مشارکت سیاسی روستاییان مربوط می‌شود که بر مبنای جمع نمرات به‌دست‌آمده از شاخص «شرکت در آخرین انتخابات ریاست جمهوری» در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است.

۲- عوامل اجتماعی و اقتصادی

پایگاه اجتماعی اقتصادی به معنی موقعیت اقتصادی و اجتماعی یک فرد است که به‌عنوان عضوی از جامعه در آن قرار می‌گیرد و تا حدودی هویت وی را نیز تشکیل می‌دهد. مطابق این تعریف، در اغلب مواقع، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، هم‌ردیف طبقه، موقعیت طبقاتی و یا موقعیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و یکی از مؤلفه‌هایی است که موقعیت و هویت افراد را در جامعه نشان می‌دهد (Zarei & Jorfi., 2020). با توجه به تعریف پیش‌گفته در پژوهش حاضر، عوامل اجتماعی اقتصادی توسط شاخص‌هایی نظیر شغل، درآمد، تحصیلات، عضویت در نهادها، تحصیلات والدین، وضعیت تأهل و میزان پیگیری اخبار از رسانه‌های داخلی و خارجی کمی شده‌اند.

نتایج و بحث

همان گونه که پیش تر گفته شد، جامعه آماری تحقیق حاضر روستاییان سه روستای بخش شرقی استان گیلان شامل روستاهای بیجاربنه بالا، بیجاربنه پایین و نخجیرکلایه بودند. اطلاعات لازم از طریق مراجعه مستقیم به پاسخ گویان و پر کردن پرسشنامه به دست آمد. برخی از خصوصیات جمعیت شناختی جامعه مورد مطالعه در جدول ۱ آمده است. همان گونه که از اطلاعات این جدول مشخص است، ۵۹/۱ درصد پاسخ گویان در نمونه مورد مطالعه مرد و ۴۰/۹ درصد زن و از نظر وضعیت شغلی، ۵۵/۷ درصد شاغل و ۴۴/۳ درصد بیکار بودند. از بین جمعیت شاغل، تنها ۱۰/۸ درصد شغل دولتی داشتند. همچنین، ۵۷/۹ درصد جمعیت مورد مطالعه متأهل، ۳۵/۶ درصد مجرد و ۶/۵ درصد آنها نیز مطلقه بودند. در بین این جمعیت، ۱۵/۸ درصد در تشکلهای حکومتی و دولتی عضویت داشتند و درآمد ماهانه هفده درصد جمعیت زیر پنج میلیون تومان، ۴۳/۳ درصد بین پنج تا ده میلیون تومان، ۲۶/۶ درصد بین ده تا پانزده میلیون، ۹/۶ درصد بین پانزده تا بیست میلیون و ۳/۴ درصد نیز بالای بیست میلیون تومان بود.

جدول ۱- اطلاعات آماری داده های مطالعه

متغیرها	توضیحات	درصد
عضویت در نهادها	عضویت	۱۵/۸
	عدم عضویت	۸۴/۲
جنسیت	مرد	۵۹/۱
	زن	۴۰/۹
وضعیت شغلی	شاغل	۵۵/۷
	بیکار	۴۴/۳
وضعیت تأهل	متأهل	۵۷/۹
	مجرد	۳۵/۶
	مطلقه	۶/۵
میزان درآمد	زیر ۵ میلیون تومان	۱۷
	۵ تا ۱۰ میلیون تومان	۴۳/۴
	۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان	۲۶/۶
	۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان	۹/۶
	بالای ۲۰ میلیون تومان	۳/۴

مأخذ: یافته های پژوهش

در ادامه، نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. اگر داده‌ها از توزیع نرمال پیروی کنند، می‌توان از آزمون‌های پارامتری برای بررسی میزان مشارکت سیاسی روستاییان استفاده کرد؛ در غیر این صورت، از روش‌های ناپارامتری استفاده می‌شود. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه بدین نتایج، از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای همه متغیرها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، ثابت می‌شود که متغیرهای مطالعه حاضر از توزیع نرمال تبعیت نمی‌کنند. بنابراین، لازم است که از آزمون‌های ناپارامتری برای بررسی ارتباط عوامل اجتماعی و اقتصادی با مشارکت سیاسی در منطقه مورد مطالعه استفاده شود.

جدول ۲- آزمون نرمال بودن مشارکت سیاسی روستاییان

کولموگروف-اسمیرنوف			متغیر
سطح معنی‌داری	آماره	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	۰/۴۶۳	۳۲۲	مشارکت سیاسی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین، نتایج آزمون من‌ویتنی^۱ برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر متغیر جنسیت در جدول ۳ آمده است. با توجه به نتایج این جدول، اگرچه میانگین رتبه‌ای مردان بیش از زنان است، اما این تفاوت معنی‌دار نیست؛ بنابراین، می‌توان گفت که جنسیت تأثیری در مشارکت سیاسی روستاییان مورد مطالعه نداشته است. البته، یافته‌های پژوهش گلابی و حاجی‌لو (Golabi & Hajiloo, 2011) نتایجی متفاوت به‌دست داده است؛ در مطالعه یادشده که در استان آذربایجان شرقی انجام گرفته، میزان مشارکت سیاسی زنان کمتر از مردان بوده است. همچنین، در مطالعه شیخ ذکرای و همکاران (Sheikh Zakariaee et al., 2016) نیز مشارکت سیاسی زنان در شهرستان سنج به‌مراتب کمتر از مردان بوده، این در حالی است که در پژوهش دیگری توسط نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2019) در شهر مهاباد، میزان مشارکت سیاسی زنان بیش از مردان برآورد شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر جنسیت

متغیر	میانگین رتبه		Z	سطح معنی‌داری
	زن	مرد		
جنسیت	۱۵۴/۹۴	۱۶۴/۴۸	-۰/۹۴۶	۰/۳۴۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Mann-Whitney test

نتایج آزمون من‌وینتی برای مقایسه مشارکت سیاسی بر حسب سن در جدول ۴ آمده است. چنان‌که مشاهده می‌شود، میانگین رتبه‌ای مشارکت سیاسی در بین افراد مسن‌تر بالاتر از افراد جوان‌تر روستاست و در بین گروه‌های سنی تفاوت معنی‌دار در سطح یک درصد وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر اما با یافته‌های پژوهش زارعی و جرفی (Zarei & Jorfi, 2020) همسو نیست. در پژوهش یادشده که در شهرستان مهر انجام گرفت، میان مشارکت سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته و متغیر سن تفاوت معنی‌دار یافت نشد و به دیگر سخن، سن در مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان بی‌تأثیر بوده است. همچنین، در پژوهش فرهمند (Farahmand, 2014)، نتایج کمی متفاوت‌تر بوده و نتایج پژوهش نشان داده است که هرچه سن جوانان افزایش می‌یابد، میزان مشارکت سیاسی آنها کمتر می‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون من‌وینتی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر سن

متغیر	میانگین رتبه		
	افراد میان سال و مسن	جوانان	Z
سن	۱۸۲/۲۹	۱۰۴/۲۸	-۶/۷۹۸
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون من‌وینتی برای مقایسه مشارکت سیاسی بر حسب سطح درآمد در جدول ۵ ارائه شده است. بر اساس نتایج این جدول، سطح درآمد بر متغیر مشارکت سیاسی تأثیر داشته، به‌گونه‌ای که میانگین رتبه‌ای مشارکت افراد با درآمد پایین‌تر بیش از افراد با درآمد بالاتر است. اما تفاوت معنی‌دار در این متغیر دیده نمی‌شود؛ یعنی، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه افراد دارای سطح درآمد بالاتر تمایل کمتری برای مشارکت دارند، اما این تفاوت معنی‌دار نبوده و متغیر درآمد بر میزان مشارکت سیاسی روستاییان بی‌تأثیر است. بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین از جمله مطالعات زارعی و جرفی (Zarei & Jorfi, 2020) و نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2019)، میزان مشارکت سیاسی طبقات پایین‌تر جامعه که از درآمد کمتری برخوردارند، بیش از سایر طبقات است.

جدول ۵- نتایج آزمون من‌وینتی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر درآمد

متغیر	میانگین رتبه		
	درآمد بالا	درآمد پایین	Z
درآمد	۱۶۰/۹۱	۱۶۵/۱۰	-۰/۳۷۴
سطح معنی‌داری	۰/۷۰۸		

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۶ بین میزان مشارکت سیاسی روستاییان مورد مطالعه و عضویت آنها در تشکلهای سیاسی و بسیج رابطه‌ای مثبت وجود دارد. در نمونه مورد مطالعه، میانگین رتبه‌ای افراد عضو تشکلهای سیاسی و بسیج، به ترتیب، ۱۷۲/۴۵ و ۱۷۰/۲۹ بوده و میانگین رتبه‌ای پاسخ‌گویانی که عضو هیچ‌کدام از تشکلهای و نهادهای نیستند، به ترتیب، ۱۳۲/۲۷ و ۱۳۸/۴۱ است. همچنین، با توجه به سطح معنی‌داری داده‌های یادشده، می‌توان بدین موضوع پی برد که میان عضویت پاسخ‌گویان در تشکلهای سیاسی و بسیج و مشارکت سیاسی آنها تفاوت مثبت معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که مشارکت سیاسی افراد عضو این نهادهای بیش از سایر افراد روستاست.

جدول ۶- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر عضویت در نهادهای

متغیر	میانگین رتبه			سطح معنی‌داری
	عضویت	عدم عضویت	Z	
عضویت در بسیج	۱۷۰/۲۹	۱۳۸/۴۱	-۴/۲۵۹	۰/۰۰۰
عضویت در تشکلهای سیاسی	۱۷۲/۴۵	۱۳۲/۲۷	-۳/۸۱۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به میانگین رتبه‌ای بالای افراد متأهل نسبت به افراد مجرد (جدول ۷) و نیز کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری از ۰/۰۵، می‌توان گفت که بر اساس وضعیت تأهل، اختلاف معنی‌دار وجود دارد. نتایج آزمون من‌ویتنی در مورد متغیر وضعیت تأهل نشان داد که میزان مشارکت سیاسی بین افراد متأهل و افراد مجرد در روستاهای مورد مطالعه تفاوت معنی‌دار دارد و مشارکت سیاسی در بین افراد متأهل روستاهای یادشده بیش از دیگران است. در زمینه این متغیر، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2019) همسو است.

جدول ۷- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر تأهل

متغیر	میانگین رتبه		Z	سطح معنی‌داری
	متأهل	مجرد		
وضعیت تأهل	۱۷۵/۵۴	۱۲۳/۴۹	-۵/۰۳۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بین افراد شاغل و بیکار اختلاف معنی‌دار در خصوص مشارکت سیاسی وجود دارد و همچنین، میانگین رتبه‌ای افراد شاغل و بیکار نیز خود بیانگر همین موضوع است. نتایج این جدول بیانگر مشارکت سیاسی بیشتر افراد شاغل نسبت به جمعیت بیکار است. اما نتایج مطالعه حاضر با پژوهش زارعی و جرفی (Zarei & Jorfi, 2020) همسو نیست؛ در پژوهش یادشده، در خصوص مشارکت سیاسی جمعیت شاغل و بیکار در شهرستان مهر تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. با توجه به نتایج جدول ۹ نیز می‌توان گفت که بین مشارکت سیاسی شاغلان بخش‌های دولتی و غیردولتی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، بدین معنی که میزان مشارکت سیاسی در بین شاغلان بخش دولتی بیش از شاغلان سایر بخش‌هاست. در زمینه این متغیر، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش نصیری و همکاران (Nasiri et al., 2019) همخوانی دارد.

جدول ۸- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر وضعیت اشتغال

متغیر	میانگین رتبه		Z	سطح معنی‌داری
	شاغل	بیکار		
وضعیت اشتغال	۱۶۷/۵۴	۱۴۶/۲۵	-۲/۰۸۶	۰/۰۳۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۹- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر شاغلان دولتی و غیردولتی

متغیر	میانگین رتبه		Z	سطح معنی‌داری
	دولتی	غیردولتی		
شغل	۱۶۵/۴۶	۱۵۲/۱۷	-۲/۰۳۸	۰/۰۳۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون من‌ویتنی برای مقایسه مشارکت سیاسی بر حسب سطح تحصیلات در جدول ۱۰ ارائه شده است. با توجه به نتایج این جدول، سطح تحصیلات بر متغیر مشارکت سیاسی تأثیر نداشته است. به‌طوری که ملاحظه می‌شود میانگین رتبه‌ای مشارکت افراد با تحصیلات پایین‌تر بیشتر از افراد با تحصیلات بالاتر است اما این تفاوت معنی‌دار ناست. نتایج موجود در جدول (۱۰) با نتایج پژوهش زارعی و جرفی (Zarei & Jorfi, 2020) مبنی بر متغیر تحصیلات و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی

یکسان ناست؛ در پژوهش ذکر شده، نتیجه آزمون متغیر تحصیلات، تأثیر زیاد این متغیر بر مشارکت سیاسی را نشان داده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر سطح تحصیلات

متغیر	میانگین رتبه			سطح معنی‌داری
	دیپلم به بالا	زیر دیپلم	Z	
سطح تحصیلات	۱۵۲/۱۷	۱۷۴/۲۴	-۱/۴۶۸	۰/۱۴۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون من‌ویتنی برای مقایسه مشارکت سیاسی بر حسب سطح تحصیلات والدین در جدول ۱۱ آمده است. با توجه به نتایج این جدول، سطح تحصیلات والدین بر متغیر مشارکت سیاسی تأثیری مهم داشته است، به‌گونه‌ای که میانگین رتبه‌ای مشارکت افراد با والدین دارای تحصیلات پایین‌تر بیش از افراد با والدین دارای تحصیلات بالاتر بوده و سطح معنی‌داری این تفاوت بالاست. برآورد تحقیق حاضر بر اساس نتایج پیش‌گفته نمایانگر تأثیر به‌سزای متغیر تحصیلات والدین بر امشارکت سیاسی جمعیت روستاهای بیجاربنه پایین، بیجاربنه بالا و نخجیرکلايه است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر سطح تحصیلات والدین

متغیر	میانگین رتبه			سطح معنی‌داری
	دیپلم به بالا	زیر دیپلم	Z	
سطح تحصیلات پدر	۱۵۱/۵۳	۱۹۱/۸۰	-۳/۶۷۷	۰/۰۰۰
سطح تحصیلات مادر	۱۵۰/۷۷	۱۹۱/۹۰	-۳/۸۶۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۱۲، بین میزان مشارکت سیاسی روستاییان روستاهای بیجاربنه بالا، بیجاربنه پایین و نخجیرکلايه و پیگیری اخبار از رسانه ملی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. در نمونه مورد مطالعه، میانگین رتبه‌ای افرادی که اخبار را از رسانه ملی دنبال می‌کنند، ۱۸۱/۹۱ و میانگین رتبه‌ای افرادی که اخبار را از رسانه ملی دنبال نمی‌کنند، ۱۰۵/۳۶ است، این تفاوت از نظر آماری دارای سطح

معنی‌داری بالاست، که نشان از تأثیر بالای این متغیر در مشارکت سیاسی دارد. نتایج پژوهش حاضر در خصوص این متغیر با نتایج پژوهش ساکی (Saki, 2021) مبنی بر تأثیر شبکه استانی آفتاب به‌عنوان عضوی از شبکه‌های رسانه ملی بر مشارکت سیاسی مردم استان مرکزی مطابقت دارد.

جدول ۱۲- نتایج آزمون من‌ویتنی برای بررسی مشارکت سیاسی روستاییان از نظر پیگیری اخبار از رسانه ملی

متغیر	میانگین رتبه			سطح معنی‌داری
	رسانه‌های ملی	رسانه‌های بیگانه	Z	
پیگیری اخبار از رسانه‌ها	۱۸۱/۹۱	۱۰۵/۳۶	-۶/۶۵۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از مسائل کلیدی در جوامع مختلف، از عوامل گوناگون تأثیر می‌پذیرد. در تحقیق حاضر، تأثیر متغیرهای جنسیت، سن، درآمد، عضویت در نهادها، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و نوع شغل، سطح تحصیلات فرد، سطح تحصیلات والدین و پیگیری اخبار از رسانه ملی بر مشارکت سیاسی بررسی شده است. طبق یافته‌های تحقیق، هرچند، میانگین مشارکت مردان بیش از زنان بوده، اما جنسیت تأثیر معنی‌دار بر میزان مشارکت سیاسی نداشته است. همچنین، بر مبنای یافته‌های مطالعه حاضر، افراد مسن‌تر نسبت به جوانان مشارکت بیشتری دارند. در مورد درآمد هم انتظار می‌رفت که افراد دارای درآمد بیشتر مشارکت بیشتری نیز داشته باشند، اما پژوهش نشان داد که این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است. همچنین، بر مبنای یافته‌های پژوهش، افرادی که در نهادها عضویت دارند، میزان مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند؛ که این نتیجه با نظریه هابرماس^۱ در زمینه ترویج فرهنگ سیاسی و تعاملات اجتماعی هم‌راستاست. از نظر وضعیت تأهل، یافته‌ها پژوهش حاضر نشان داد که افراد متأهل نسبت به سایر گروه‌ها مشارکت سیاسی بیشتری دارند. همچنین، در ارتباط با وضعیت اشتغال و نوع شغل، نتایج نشان‌دهنده تأثیر این متغیرها بر میزان مشارکت سیاسی بود. از بعد تحصیلات، گرچه میانگین مشارکت افراد با تحصیلات پایین بیشتر بود، اما این تفاوت معنی‌دار نبود. همچنین، نتایج نشان داد که هرچه سطح تحصیلات والدین بیشتر باشد، تأثیر منفی بر مشارکت سیاسی دارد. در نهایت، بررسی پیرامون پیگیری اخبار از رسانه ملی نشان داد که این

1. Habermas

عامل بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر مثبت دارد؛ بدین ترتیب، افرادی که اخبار را از رسانه ملی دنبال می‌کنند، مشارکت بیشتری دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که با انگیزش جوانان برای عضویت در نهادها و فعالیت سیاسی، امید آنها به آینده سیاسی افزایش یابد. همچنین، بهبود کیفیت اخبار و ارائه اطلاعات شفاف از سوی رسانه ملی می‌تواند با جلب اعتماد مردم، به افزایش مشارکت سیاسی افراد بینجامد. عدم مشارکت و شکاف سیاسی میان طبقات اجتماعی می‌تواند چالشی جدی برای آینده کشور باشد، که نیازمند توجه ویژه است.

منابع

1. Beck, P. A., & Jennings, M. K. (1982). Pathways to participation. *American Political Science Review*, 76(1), 94-108. DOI: 10.2307/1960445.
2. Broadwell, W. (2006). Political participation. Georgia Perimeter College Rockdale/Newton Campus.
3. Emamjomezade, S. J., Mahmoodoghli, R., & Isanejad, O. (2011). A study of relationship between religiosity and political participation of the students of Isfahan university. *Research Letter of Political Science*, 6(21), 7-34. [In Persian]
4. Farahmand, M. (2014). A comparative study of the consumption values of working women and housewives in Yazd city and the factors affecting it. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(39), 53-80. DOI: 10.22051/jwsp.2015.1481. [In Persian]
5. Golabi, F., & Hajiloo, F. (2012). Sociological review of political participation rate of women and some of social factors affecting it (case study in East Azerbaijan province). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(1), 173-200. DOI: 10.22059/jisr.2012.36552. [In Persian]
6. Hajibabaei, N., & Rezaei, A. (2022). Providing a local model for NGOs empowerment. *Development of Humanities*, 2(4), 103-130. DOI: 10.22047/hsd.2022.182853. [In Persian]
7. Milbrath, L. W. (1981). Political participation. In: Long, S. L. (eds) *The handbook of political behavior*, pp. 197-240. Springer, Boston, MA. DOI: 10.1007/978-1-4684-3878-9_4.

8. Nasiri, H., Kazemipour, Sh., & Kafashi, S. (2019). Investigating the demographic factors related to the political participation of the citizens of Mahabad city. *Sociology Studies*, 12(43), 45-69. DOI: 10.30495/jss.2019.667957. [In Persian]
9. Nesbitt-Larking, P. W. (2010). The role of the media in electoral behaviour: a Canadian perspective. *Policy and Society*, 29(1), 53-64. DOI: 10.1016/j.polsoc.2009.11.005.
10. Panahi, M. H. (2007), Sociology of women's political participation. Allameh Tabatabai University, Tehran. DOI: 10.22054/qjss.2015.1280. [In Persian]
11. Saki (2021). Investigating the role of the Aftab provincial network in the political participation of the people of Markazi province (Arak city). *Media Studies*, 15(4), 59-76. [In Persian]
12. Sheikh Zakariaee, V., Mohammadi, O., Karimi, S. E., & Nafee, A. (2016). Investigation of the effective factors on women's political participation in Sanandaj. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 8(4), 573-588. DOI: 10.22059/jwica.2016.61795. [In Persian]
13. Tamizkar Mostaghim, M., & Abbasi, B. (2015). Examining the challenges of public participation in political and legal system of the Islamic Republic of Iran. *Political Studies*, 8(29), 151-180. [In Persian]
14. Van Deth, J. W. (2003). Measuring social capital: orthodoxies and continuing controversies. *International Journal of Social Research Methodology*, 6(1), 79-92. DOI: 10.1080/13645570305057.
15. Vosoughi, M., & Hashemi, A. (2004). Villagers and their political participation in Iran: a case study of three villages of Booshehr. *Social Sciences*, 11(26), 109-140. [In Persian]
16. Zarei, Gh., & Jorfi, A. (2020). The effect of socio-economic base on political participation (case study: Moher city). *Social Sciences*, 13(47), 59-78. [In Persian]

